روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه | اول دی ۱۳۹۸ | ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ | ۲۲ دسامبر ۲۰۱۹ | سال دوازدهم | شماره ۲۸۲۲ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

۱۱۸۱ سال و ۴۶ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2822 | SUN.DEC.22, 2019 | ISSN:2008-2886

پرونده «وطن‌امروز» درباره طرح بانکداری مصوب مجلس

ایرادات مبنایی طرح بانکداری چیست؟

صفحه ۵

اتمام ظرفیت مسکن ملی در تهران، ۳۰ دقیقه پس از آغاز ثبت‌نام

مسکن تدبیر ظرفیت تکمیل!

صفحه ۳

پرچم بالاست

با قطعی شدن دوپینگ وزنه‌بردار اوکراینی و اهدای مدال طلای دسته ۱۰۵ کیلوگرم به نواب نصیر شلال، ایران در المپیک ۲۰۱۲ لندن به رتبه دوازدهم صعود کرد

جایگاه دوازدهم المپیک بهترین دستاورد تاریخ ورزش ایران است

صفحه ۶

نمایی از رژه کاروان جمهوری اسلامی ایران در مراسم افتتاحیه المپیک ۲۰۱۲ لندن

تیترهای امروز

۷۰ گروه جهادی در حال کمک‌رسانی به مردم سیل‌زده هستند

جهادی‌ها در سرزمین جهاد

صفحه ۴

خالد قدومی، نماینده حماس در تهران در گفت‌وگو با «وطن‌امروز»:

صهیونیست‌ها فقط زبان اسلحه را می‌فهمند

صفحه ۷

گزارش «وطن‌امروز» از آرایش و شعار اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس پیش رو

بازهم دوگانه سیاست و معیشت

- شعار اصولگرایان: معیشت و اصلاح ساختاری
- شعار اصلاح‌طلبان: سیاست و معاملات خارجی

صفحه ۲

چرا دهه ۹۰، پایانی بر جریان فیلمسازی برخی چهره‌های قدیمی سینماست؟

پایان یک نسل جز یکی دو نفر!

صفحه ۸

گزارشی درباره تلاش مجلس و دولت برای افزایش مناطق آزاد و ویژه

کشور در بند مناطق آزاد

صفحه ۳

مرگ دوگانه «دموکرات/ جمهوری‌خواه» در ایران

کپی‌برداری برجامی یاران اوباما از ترامپ!

نگاه

نوید مؤمن: نام «ویلیام برنز» و «جک سالیوان» برای بسیاری از مخاطبان ایرانی کاملا آشناست! این دو، از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری اوباما بودند؛ همان افرادی که برجام با مذاکره، تایید و امضای آنها به فعلیت رسید! طی ماه‌های اخیر، با توجه به افت محبوبیت ترامپ در برخی ایالات خاکستری و تعیین‌کننده در ایالات متحده آمریکا، دموکرات‌ها نسبت به پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ امیدوار شده‌اند. هر چند این امیدواری مطلق نیست اما منجر به آشکارسازی مواضع دقیق و عملیاتی دموکرات‌ها در قبال برخی پرونده‌های جاری در حوزه امنیت و سیاست خارجی آمریکا شده است. یکی از این پرونده‌ها، «توافق هسته‌ای با ایران» است. اکتبر امسال [مهرماه]، «برنز» و «سالیوان» یادداشت مشترک و مهمی را درباره نوع مواجهه دولت بعدی آمریکا (در صورت شکست ترامپ در انتخابات) با برجام منتشر کردند که می‌تواند مبنای نگاه و قضاوت افکار عمومی دنیا و ایران در قبال دموکرات‌ها و هویت آنها باشد. در بخشی از این مقاله مشترک که در «نیویورک‌تایمز» به چاپ رسید، آمده است: «اگر چه دولت ترامپ بدون توجه به پایبندی کامل ایران به توافق هسته‌ای [برجام] از این توافق خارج شد اما هر گونه انتظار از سوی تهران مبنی بر رفع تحریم‌ها بدون موافقت با نوعی «توافق تکمیلی»، غیرممکن خواهد بود! لازم است ایرانی‌ها واقع‌بین‌تر شوند. تصور موافقت ایالات متحده با رفع تحریم‌ها، بدون ضمانت‌هایی از جانب ایران مبنی بر آغاز فوری مذاکرات بر سر یک توافق تکمیلی که در آن دست‌کم چارچوب‌های زمانی توافق تمدید شده و به مسائل راستی‌آزمایی و موشک‌های بالستیک ایران پرداخته شود، غیرعملی است». این نخستین بار نیست که دموکرات‌ها از «توافق تکمیلی» یا «توافق جدید» با ایران سخن به میان می‌آورند. قبل از انتشار مقاله مشترک برنز و سالیوان، «ایلان گلدنبرگ» مشاور «جان کری» وزیر اسبق خارجه آمریکا در مقاله خود در نشریه «فارین پالیسی» تاکید کرده بود: «رئیس‌جمهور بعدی باید از اهرم فشاری که پس از خروج ترامپ از برجام ایجاد شده برای رسیدن به تفاهم اولیه بر سر بسیاری از مسائل محل اختلاف با ایران و آینده برنامه هسته‌ای این کشور استفاده کند. پیامی که باید به ایران و دنیا بدهیم این است: ما انتظار داریم بار دیگر به توافق برگردیم اما قبل از آن لازم است صحبت کنیم! ما باید برای بازگشت به برجام امتیازات بیشتری از ایران بگیریم».

همان‌گونه که مسجل است، دموکرات‌ها اساسا برنامه‌ای برای بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران ندارند. وجه اشتراک مقالات گلدنبرگ، برنز و سالیوان این است که هر سه آنها، آدرس «گذار از برجام» و «انعقاد توافق جدید» را به ایران و نظام بین‌الملل مخابره کرده‌اند. به عبارت بهتر، حتی اگر ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ از رقیب دموکرات خود شکست بخورد، بازگشت مطلق به برجام در دستور کار دموکرات‌ها نخواهد بود. نکته حائز اهمیت اینکه نوع خواسته‌های مطرح‌شده از سوی دموکرات‌ها نیز دقیقا مشابه همان مطالباتی است که ترامپ از ابتدای سال ۲۰۱۷ میلادی و پس از حضور در کاخ سفید مطرح کرده بود: «اعمال محدودیت همزمان بر برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران».

واقعیت امر این است که ۲ حزب سنتی ایالات متحده، هر دو نسبت به استراتژی «مهار ایران قدرتمند» پایبند و در محاسبات تاکتیکی و رفتاری خود نیز از آن پیروی می‌کنند. شاید تنها تفاوت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، نحوه طرح این مطالبه یا ادبیاتی است که در این باره به کار می‌گیرند! بدون شک در چنین شرایطی نوشتن یادگاری بر دیوار دموکرات‌ها و یاد کردن از «انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ آمریکا» به عنوان نقطه‌گذار یا تعیین‌کننده در محاسبات سیاست خارجی کشورمان، «خطای محض راهبردی» محسوب می‌شود. هزینه‌های این خطای راهبردی بشدت سنگین بوده و مانع از تمرکز دستگاه دیپلماسی ما بر ظرفیت‌های پیرامونی و غیرغربی برای هدایت و مدیریت صحنه خواهد شد. از سوی دیگر، مرور و تکرار مواضع اخیر برنز، سالیوان و گلدنبرگ، بهترین فرصت تامل و تفکر برای کسانی است که هنوز میان «آمریکای دموکرات» و «آمریکای جمهوری‌خواه» قائل به تفکیک هستند. از دل این نگاه بازدارنده و خطای مبنایی، در مرحله بعد شاهد تولید واژگانی مانند «دولت خوب آمریکا» و «دولت بد آمریکا» هستیم!

در اینجا باید ضمن تکیه بر اصل «رصد هوشمندانه»، مانع مانور طرفداران ایالات متحده و مذاکره با واشنگتن، بر روی دوگانه «دموکرات/ جمهوری‌خواه» شد. این دوگانه، با توجه به عهدشکنی دولت اوباما پس از امضا و اجرایی شدن برجام- که نمونه بارز آن را در جلوگیری از عادی‌سازی روابط بانکی و اعتباری با ایران شاهد بودیم- و متعاقبا خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران، دیگر کاملا از بین رفته است. بدیهی است در چنین شرایطی نباید اجازه بازتولید چنین دوگانه خطرناکی را به بانیان و عاملان این پروسه داد.

اکثریت بی‌سابقه محافظه‌کاران در مجلس عوام بریتانیا سرانجام به لایحه خروج از اتحادیه اروپایی رأی دادند اما همزمان اسکاتلندی‌ها و ایرلندی‌ها ساز جدایی از انگلیس کوک کرده‌اند

اسکاتلند مستقل، ایرلند متحد، انگلیس منزوی

یادداشت

شروین طاهری: پیروزی شوک‌آور محافظه‌کاران انگلیسی به رهبری «بوریس جانسون» در انتخابات سراسری فقط از آن جهت تاریخی نیست که مثلا حوزه انتخابیه بیشاپ آوکلند در منتهی‌الیه شمال شرقی سرزمین انگل‌ها، چسبیده به خاک اسکاتلند برای نخستین‌بار در سابقه ۱۳۴ ساله‌اش به رنگ آبی درآمد و یک محافظه‌کار را به وست مینیستر معرفی کرد. حتی اینکه انتخابات ۱۲ دسامبر باعث افزایش ۴۹ برابری جست‌وجوی عبارت «مهاجرت به کانادا» - و در مرتبه‌ای پایین‌تر مهاجرت به استرالیا، فرانسه و ایرلند- شده نیز با بی‌سابقه‌بودن تاثیر رقابت سیاسی احزاب مرکزگرای پادشاهی انگلیس بر رشد ملی‌گرایی ضدسلطنتی در میان ملت‌های غیرانگلیسی سابقا متحد بریتانیا، قابل مقایسه نیست.

نخست‌وزیر شبه‌ترامپ و حزب بادی و از بسیاری جهات افراطی- و البته از نظر اعتبار سیاسی و منش شخصیتی تفریطی- که با موجی از نومحافظه‌کاری توام با اقتدارگرایی به سبک جمهوری‌خواهان آمریکا با پشتوانه بی‌سابقه‌ترین اکثریت پارلمانی (۳۶۵ کرسی) در ۳ دهه اخیر، دوباره از ملکه حکم تشکیل دولت دریافت کرده است، روز جمعه گذشته در نخستین سخنرانی خود در وست مینیستر پس از بازگشت به خانه شماره ۱۰ خیابان داونینگ، برای تجزیه‌طلبان بریتانیا خط و نشان کشید؛ حال آنکه تحلیلگران معتقدند ظهور جانسون خود به منزله طالع نحس موجودیت بریتانیای یکپارچه است.

او دیروز هم برای کندن کلک برگزیت در خانه عوام پارلمان حاضر شد و سرانجام با حمایت اکثریت نسبی محافظه‌کاران (و رأی بیش از نیمی از کرسی‌ها) موفق شد پس از ۳ بار شکست پیاپی دولت‌های خود و اسلاف محافظه‌کارش، لایحه‌ای را برای اجرای برگزیت یا خروج از اتحادیه اروپایی به تصویب مجلس برساند.

لایحه‌ای که قاعدتا باید جزیره‌نشینان را از ۳ سال بلاتکلیفی در رابطه با سرزمین‌های آن سوی کانال مانش به در آورد و طبق وعده جانسون، آنها را در ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن امسال) به هر شکلی که شده، با توافق یا بدون توافق از اتحادیه اروپایی خارج کند.

نخست‌وزیری که زمانی نه کمتر از ۲ سال پیش با نفس برگزیت هم مخالف بود حالا با تصویب لایحه «خروج از اتحادیه اروپایی» توپ را این بار به زمین پارلمان انداخته است. نمایندگان حزب محافظه‌کار به‌رغم اینکه اکثریت مطلق کرسی‌ها را دارند، وارد جنگی نفس‌گیر با اقلیت نسبی احزاب کارگر، لیبرال- دموکرات و اسکات و ایرلندی‌های استقلال‌طلب‌تر از همیشه برای وضع قوانین جدیدی در راستای اجرای نهایی برگزیت در فاصله پس از تعطیلات کریسمس امسال تا ۹ ژوئن (۲۰ خرداد) سال دیگر شده‌اند. قوانینی که از یک سو باید مناسبات تجاری رسمی جدید بریتانیای طلاق‌گرفته از اروپا را با بروکسل و البته پاریس و برلین شکل دهند و از سوی دیگر مشکلات احتمالی بعد از برگزیت از جمله ایجاد مرز فیزیکی بین ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند را حل‌وفصل کنند.

تقریبا تمام گروه‌های اپوزیسیون لایحه‌ای را که دیروز تصویب شد و بر اساس توافقنامه شکسته‌بسته نخست‌وزیر در قدرت مانده با نماینده اتحادیه اروپایی در ماه اکتبر بوده است، طرحی فاجعه‌بار برای منافع ملی انگلیس خوانده‌اند. جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر بویژه به نابودی بسیاری از مشاغل جزیره که در رابطه با بازار مشترک اروپا تعریف شده بودند انتقاد می‌کند، اد دیوی و سالی برینتون رهبران حزب رو به افول لیبرال- دموکرات از ماهیت بیگانه‌ستیزانه لایحه دولت محافظه‌کار انتقاد می‌کنند و تکلیف جبهه ملی اسکاتلند و نمایندگان حاضر و غایب ایرلندشمالی و ولزی‌ها (پلید سیمرو) هم که در قبال بسط زمینه فاشیسم انگلیسی- سلطنتی با لایحه جدید مشخص است.

با این حال بوریس شلخته، این ملی‌گرای انگلیسی متولد نیویورک با اصلیت ترکی- چرکسی، قانون برگزیت را طلوع جدیدی برای بریتانیا می‌خواند؛ اگر چه در عالم واقع آنچه به چشم همه به غیر از حاکمان جزیره می‌آید، حکایت از غروب نهایی آفتاب در قلمرو یک امپراتوری به تاریخ پیوسته دارد که تا اوایل قرن بیستم معروف بود که آفتاب هرگز در قلمرو آن غروب نمی‌کند.

جالب اینکه جانسون سفله در همین نخستین نشست پارلمانی دور دوم نخست‌وزیری‌اش، بار دیگر وجوه پرتناقض خود را آشکار کرد و نخستین گاف بزرگ دوره جدید را هم داد. او ابتدا در پاسخ به انتقاد نمایندگان مخالف از احزاب کارگر، لیبرال- دموکرات و جبهه ملی اسکاتلند اعلام کرد «ما باید به پیش برویم» و «باید برچسب‌های قدیمی مثل ترک کردن یا باقی ماندن [در اتحادیه اروپایی] را برداریم» اما لحظاتی بعد خود یک برچسب قدیمی‌تر که در ادبیات سیاسی انگلیسی‌ها یک تابو محسوب می‌شود، یعنی عنوان «تجزیه‌طلب» را به ملی‌گرایان اسکاتلندی، ایرلندی و ولزی چسباند و دم از مقاومت در برابر تجزیه‌طلبان زد.

با آنکه او در سخنرانی‌اش اعلام کرد بلافاصله پس از تصویب لایحه خروج، مذاکره با کشورهای دیگر برای عقد توافق‌های تجاری را آغاز خواهد کرد اما تا هفته پیش خیلی از هم‌حزبی‌های او نیز معتقد بودند انگلیس پس از برگزیت باید با انزوای خود به بهای احیای «حاکمیت ملی بر معادلات تجاری» کنار بیاید، چرا که فاقد وزن تجاری لازم برای رسیدن به توافقات تجاری برنده- برنده آن هم در عنفوان جنگ جهانی تجاری به راه انداخته شده از سوی متحد خود جانسون یعنی ترامپ است.

سخنان دیروز جانسون آنچنان از موضع اقتدار هم نبود و بخشی از آن در واقع واکنشی بود به سخنان سروزیر اسکاتلند در پارلمان محلی این منطقه و همین‌طور افزایش شور استقلال‌طلبی در میان ملی‌گرایان ایرلند شمالی که پس از نتایج انتخابات ۱۲ دسامبر در این بخش از بریتانیا خواهان یکپارچگی دوباره جزیره ایرلند شده‌اند.

نیکولا استرجن روز پنجشنبه در ادینبورو، برخورداری از حق استقلال عمل برای اسکاتلندی‌ها را حائز اهمیت توصیف کرد و به شبکه اسکای گفت: «ملت اسکاتلند در انتخابات هفته گذشته به روشنی اعلام کردند تمایلی به خروج از اتحادیه اروپایی توسط دولت محافظه‌کار به رهبری جانسون ندارند. اگر از حق برگزاری همه‌پرسی استقلال محروم شویم، ما آینده‌ای را که در انتظارمان است تعیین خواهیم کرد». او دست آخر با حکومت لندن اتمام‌حجت و تهدید کرد اگر دولت جدید با همه‌پرسی دوم استقلال اسکاتلند (۵ سال پس از اولین همه‌پرسی در سال ۲۰۱۴) موافقت نکند، همه گزینه‌های روی میز را در نظر خواهد گرفت.

در همین حال ایرلندی‌های تحت حاکمیت پادشاهی یا به بیان خودشان استعمار انگلیس نیز در انتخابات اخیر شاهد گشایشی بزرگ برای رویای «وحدت تاریخی جزیره ایرلند» بوده‌اند. برای نخستین‌بار پس از تشکیل حوزه انتخابیه ایرلند شمالی، رأی ملی‌گرایان بیش از رای حامیان اتحاد با بریتانیا بود.

ایرلند شمالی در واقع چیزی نیست جز بخش جدا شده در شمال شرقی جزیره ایرلند که هنوز به بهانه حضور اکثریت مسیحیان پروتستان پیرو کلیسای کانتربری تحت اشغال انگلیسی‌ها قرار دارد.

به همین دلیل بسیاری از ایرلندی‌ها چه در ایرلند شمالی و چه برادران بزرگ‌تر و مستقل جنوبی‌شان، انتخابات ۲۰۱۹ را ۱۰۰ سال پس از استقلال جمهوری ایرلند از بریتانیا یک فرصت تاریخی برای اتحاد دوباره قلمداد کرده‌اند.

شین فین، مشهورترین حزب ملی‌گرای ایرلندی با سابقه بیش از یک قرن مبارزه مسلحانه با استعمار انگلیس برای نخستین‌بار ۷ نماینده نمادین اما غایب در پارلمان دارد، در حالی که ۲ متحد آن، احزاب سوسیال ـ دموکراتیک و کارگر ایرلند نیز مجموعا ۲ کرسی دیگر را در وست مینیستر به خود اختصاص داده‌اند که این به برتری اتحادگرایان یا حامیان بریتانیا در مجموع ۱۸ کرسی سهمیه ایرلند شمالی پایان می‌دهد.

حتی موسسه تحلیل و مخاطب‌سنجی لرد اشکرافت، نزدیک به محافظه‌کاران، ۴ ماه پیش با انتشار نتایج یک نظرسنجی از مردم بخش شمالی ایرلند نسبت به رشد پدیده اتحادگرایی برای پیوستن به جمهوری ایرلند در این منطقه هشدار داده بود.

در چنین شرایطی نشریه فارین پالیسی در تحلیلی با عنوان «بوریس جانسون، بریتانیا را متحد نخواهد کرد؛ او آن را در حال انشقاق نگاه خواهد داشت» پیش‌بینی کرد نخست‌وزیر جدید انگلیس فرهنگ جنگی تقابل نهفته در دل برگزیت را بیش از پیش در داخل بریتانیا قدرت خواهد بخشید. مهم‌ترین نشریه آمریکایی در زمینه سیاست خارجی چنین برآورد می‌کند که اگر چه شاید جانسون بتواند رویای محافظه‌کاران، اشراف و سلطنت‌طلبان جزیره را برای از میدان به در کردن رقبا بویژه چپ‌گرایان حزب کارگر جامه عمل بپوشاند اما او با همان مشتی که رقبای داخلی را می‌راند، ملت‌های حاشیه‌ای بریتانیا را نیز خواهد راند و باعث سرعت بخشیدن به فروپاشی بریتانیا خواهد شد.

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz